

سیاست‌گذاری

فرهنگی در ایتالیا



ترجمه: محمد صفار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاست‌گذاری فرهنگی در ایتالیا

ترجمه: محمد صفار

مبمع ابن ترجمه. سایت اینترنتی با عنوان

Culturelink Network

به آدرس زیر است:

<http://www.culturelink.net>

سیاستگذاری فرهنگی در ایتالیا / ترجمه محمد صفار. - تهران: موسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۰.
۲۳ص

ISBN 964-93574-7-5: ۴۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
۱. سیاست فرهنگی -- ایتالیا -- برنامه ریزی.
الف صفار، محمد، مترجم. ب. عنوان
س۸۷/۱۰۱/HM ۲۰۶/۰۹۴۵
۱۳۸۰

۲۱۴۲۶-۸۰م

کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری



مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات

سیاستگذاری فرهنگی در ایتالیا

کاری از: گروه سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی

ترجمه: محمد صفار

ویراستار: پروانه سپرده

نوبت انتشار: اول ۱۳۸۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۳-۹۳۵۷۳-۷-۵

نشانی ناشر: تهران، پایین تر از میدان ولی عصر، خیابان دمشق، شماره ۱۱، پژوهشگاه

فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تلفن و دورنگار: ۸۹۰۱۲۹۸

سخن ناشر

«سیاست‌گذاری فرهنگی در ایتالیا» چهارمین عنوان از مجموعه نوشته‌ای است که در خصوص تجربیات سیاست‌گذاری فرهنگی کشورهای مختلف جهان ترجمه و ارائه شده است.

این مجموعه بر آن است تا با ارائه دیدی ساختاری، نظام‌مند و عینی نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشورهای صاحب فرهنگ ملی و تجربه برنامه ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی را معرفی نموده و از این بستر، زمینه آشنایی مدیران، کارگزاران و برنامه ریزان فرهنگی کشورمان را با ساز و کارهای سیاست فرهنگی سایر کشورها فراهم آورد.

نگاه تطبیقی و شناخت دیگر مدلها، قاعدتاً بایستی منجر به ارائه راهکارهای کارآمدتر و خردگراتر از سوی مدیران و برنامه ریزانی گردد که بر اهمیت فرهنگ به عنوان زیربنای توسعه پایدار اتفاق نظر دارند.

امید است این مجموعه بتواند به مثابه نخستین قدم روشنی‌هایی بر چگونگی و شیوه‌های برنامه ریزی و سیاست‌گذاری سایر کشورها بتاباند و سیاست‌گذاران را مفید فایده افتد.

گروه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی فرهنگی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱. جهت‌گیری کلی سیاست‌گذاری فرهنگی
۳	۲. ساختارهای اجرایی و سازمانی
۸	۳. ابزارهای سیاست فرهنگی
۱۳	۴. سیاستهای بخشی
۱۷	۵. صنایع فرهنگی
۲۰	۶. توسعه فرهنگی
۲۲	۷. مشارکت فرهنگی بین‌المللی

مقدمه

ایتالیا کشوری مدیترانه‌ای واقع در جنوب اروپا، با مساحتی معادل ۱۱۶۳۳۶ مایل مربع است. این کشور ۵۷/۵ میلیون نفر جمعیت دارد که ۶۷٪ این جمعیت شهرنشین هستند. ۹۸ درصد مردم وابسته به کلیسای کاتولیک رم هستند.

تکثر و گوناگونی مجموعه‌های فرهنگی، مشخصه نوآوری فرهنگی در ایتالیا است. اداره امور فرهنگی از طریق نظام پیچیده‌ای از مجموعه‌های اجرایی - که ظرفیت آنها بین چندین بخش و سطوح اجرایی تقسیم می‌شود - صورت می‌گیرد. الگوی اجرایی، کشور را به بیست منطقه، نود و دو استان و حدود هشت هزار شهرداری تقسیم می‌کند. نه تنها شرایط اجتماعی و اقتصادی موجب تمایز بخشها از یکدیگر می‌گردد، بلکه، مهمتر از همه پیشینه فرهنگی آنها را از هم تفکیک می‌کند. طرحها و رویدادهای فرهنگی از هر نوع که باشند اغلب تحت نظارت چند نهاد در سطوح مختلف قرار می‌گیرند، که سازمانهای زیرنظر بخش خصوصی را نیز شامل می‌شوند. دیر زمانی است که فعالیتهای مربوط به حفظ و احیای میراث بسیار غنی مردم ایتالیا - در میان ابتکارات گوناگون فرهنگی که توسط دولت اجرا شده و / یا مورد حمایت قرار گرفته - پرافتخارترین آنها به‌شمار می‌رود.

۱. جهت‌گیری کلی سیاست‌گذاری فرهنگی

جایگاه مطلوب بازسازی و حفاظت از میراث فرهنگی ملی توسط قانون اساسی ایتالیا تضمین شده است. بند ۹ این قانون می‌گوید که دولت باید پیشرفت تحقیقات علمی و فرهنگی را بهبود بخشد و نیز باید از میراث ملی، تاریخی و هنری حفاظت بعمل آورد. در بندهای ۱۱۷ و ۱۱۸ قانون اساسی، بار دیگر مسائل فرهنگی مورد

توجه قرار گرفته است. بند ۱۱۷ در مورد صلاحیت مراجع محلی و منطقه‌ای در اداره موزه‌ها و کتابخانه‌ها توضیح می‌دهد، در حالیکه بند دیگر (۱۱۸) امکان اعمال نظارت‌های سطوح پایین را در دیگر زمینه‌ها، از طریق آرایه قوانین مناسب، فراهم می‌کند.

با توجه به گسترده‌تر شدن معیارها و ضوابط قانونی، عموماً مقررات منطقه‌ای، بر پایه نگرشی فعال‌تر و پویاتر نسبت به حیات فرهنگی، دخالت بیشتری را در حوزه فرهنگی، پیش‌بینی می‌کند. نمونه نوعی این رویکرد جامع‌تر و آزادمنشانه‌تر، در صورت‌بندی قوانین لومباردی - یعنی منطقه‌ای که خواهان پیشرفت فرهنگی در تمامی مظاهر آزاد آن است - به چشم می‌خورد.

این تصریح [قانونی] از تأثیر مهم دولت محلی در حوزه فرهنگی حکایت دارد، گرایشی که در فرمان ۶۱۶ در سال ۱۹۷۷ نیز مورد تأیید قرار گرفت.

تلاشها برای تعریفی دوباره از مفهوم سنتی استراتژی توسعه فرهنگی در اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد. نخستین مطالعات در این مسیر، با هدف بررسی و جهت‌گیری

دوباره هزینه‌های عمومی در قلمرو فرهنگی (که توسط *Programmazione Economica*

ISPE-Instituto di studi per la انجام شد) به عنوان کار مقدماتی برنامه پنجساله

۱۹۷۰-۷۵ توسعه اقتصاد ملی صورت گرفت. دهه هفتاد، یادآور فعالیت‌های گسترده

در جهت دموکراتیزه کردن زندگی فرهنگی و به‌دنبال آن، افزایش سرمایه‌گذاری

عمومی در این بخش است. از نیمه دوم دهه هشتاد، کسری بودجه دولت ایتالیا از

یک سو و تمایل شدید به حمایت از حفظ میراث فرهنگی و تشویق توسعه فرهنگی

از دیگر سو موجب تغییراتی در این بخش - از نظارت‌های مرسوم دولتی به سوی

اجرای طرح‌های انعطاف‌پذیر با مشارکت عمومی و بخش خصوصی - گردید.

حمایت از این به اصطلاح «فعالیت‌های مربوط به توسعه فرهنگی و آموزشی»

به صورت گرایش جدید در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایتالیا منعکس است. این توسعه دلالت بر همه ابتکاراتی دارد که با هدف تشویق خلاقیت مردم، مشارکت و تعامل آنها با مظاهر فرهنگ رسمی، سازماندهی رویدادهای فرهنگی با مشارکت اقشار مردم و غیره انجام می‌شود. در بعضی مناطق - به منظور متعادل نمودن برتری روزافزون فعالیتهای مربوط به میراث (فرهنگی) - سرمایه‌گذاری‌های اخیر برای توسعه فرهنگی حتی از مبالغ تخصیص یافته به میراث فرهنگی نیز سبقت جسته است.

۲. ساختارهای اجرایی و سازمانی

۲-۱. مجموعه‌های دولتی و نیمه‌دولتی

وظایف اجرایی در مورد سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به‌طور عرضی و طولی تقسیم‌بندی شده‌اند. در سطح دولت مرکزی، ظرفیتهای مربوط به فعالیتهای حوزه فرهنگی در بین چندین وزارتخانه توزیع شده است. اقدامات دولت مرکزی، نیز مرتباً توسط مراجع سطوح پایین‌تر نظام اجرایی «منطقه‌گرای ایتالیا» که رقابت دائمی را میان گرایشهای متمایل به مرکز و نیازها و خواستههای محلی برقرار می‌کند، تعدیل می‌شود. در غیاب وزارت فرهنگ، مسئولیتهای این حوزه میان وزارتخانه‌ها و سایر تشکلهای ذیل تقسیم می‌شود:

۱- وزارت میراث فرهنگی

۲- وزارت جهانگردی و هنرهای نمایشی

۳- دفتر نخست‌وزیر

۴- وزارت امور خارجه

۵- وزارت پست و مخابرات

۶- وزارت همکاریهای دولتی

۷- وزارت آموزش و پرورش

۸- وزارت آثار عمومی

یادآوری این نکته مهم است که نخستین وزارتخانه که در لیست بالا آمده است، بخش بزرگتری از وظایف را در این عرصه برعهده دارد و تنها وزارتخانه‌ای است که فقط با امور فرهنگی سروکار دارد. دو مجموعه بعدی تنها در بخشهای خاصی از مسائل فرهنگی مشارکت دارند؛ یعنی پرداخت یارانه به کتاب و انتشار روزنامه (دفتر نخست‌وزیر) یا روابط فرهنگی بین‌الملل (وزارت امور خارجه).

تا آوریل ۱۹۹۳، وزارتخانه جهانگردی و هنرهای نمایشی مسئول اجرای هنرهای نمایشی بود. اما از آنجا که مناطق خودمختار خود را به تنهایی مسئول توسعه امور جهانگردی خود می‌دانستند، به‌دنبال همه‌پرسی‌ای که در این مناطق انجام پذیرفت این وزارتخانه منحل شد. از آن زمان وظایف *Direzione Generale per lo spettacolo* وزارتخانه قبلی را دفتر نخست‌وزیر، که همچنان بدون رقیب مانده است، انجام می‌دهد. این بخش مسئول سرمایه‌گذاری و نظارت بر هنرهای نمایشی در ایتالیا و در خارج از کشور است و اثرات قوانین را در حوزه مربوط کنترل می‌کند، بر نهادهای ثابت نظارت دارد و فعالیتهای مختلف را در سطح منطقه‌ای مدیریت می‌کند. همچنین بر سازمان *Funf* مربوط به هنرهای نمایشی مدیریت دارد.

چهارچوب کلی قانون اساسی ایتالیا (قانون اساسی ۱۹۴۸، بندهای ۵ و ۱۱۴) زمینه توزیع قدرت و اقتدار را در بخش عمومی - در چهار سطح - فراهم کرده است.

● دولت که از طریق وزارتخانه‌ها و دیگر تشکلهای محوری نام برده شده عمل می‌کند.

● منطقه که از طریق اختیارات فرهنگی خود عمل می‌کند.

● شورای فرهنگی استان که اخیراً بوجود آمده است.

● ناحیه (شهرداری) که در بیشتر واحدهای اجرایی فعال است. نکته مهم درباره این تقسیم سطوح اجرایی این است که در آن تبعیت مطلق به چشم نمی‌خورد یعنی بخشهای پایین‌تر، صرفاً در حکم بدنه‌های اجرایی، که مسئولیت اجرای فعالیتها و ابتکارات تعیین شده از جانب مراجع بالاتر را به عهده داشته باشد، قلمداد نمی‌شوند. مسؤلان در بخشهای ذکر شده، همچون حوزه‌های دیگر فرهنگی، از میزان بالایی از استقلال برخوردارند. توزیع مسئولیتها تقریباً به طریق زیر انجام می‌پذیرد:

● تعریف اهداف عمومی در سیاستگذاری ملی فرهنگی، نیز حفظ میراث فرهنگی، مراقبت از کتابخانه‌ها و موزه‌های ملی، گسترش هنرهای نمایشی و حمایت مقطعی از صنایع فرهنگی عمدتاً تحت‌نظر مراجع دولتی قرار دارند.

● حمایت از کتابخانه‌ها و موزه‌های محلی، رشد فرهنگ منطقه‌ای، نوآوری‌هایی که با هدف توسعه هنرهای نمایشی صورت می‌گیرد، در حوزه مسئولیت مراجع منطقه‌ای است، به علاوه این مناطق، از قدرت قانون‌گذاری نسبتاً بالایی برخوردارند تا بتوانند در بعضی قسمت‌ها همچون میراث فرهنگی، تفریحات فرهنگی، امکانات فرهنگی و اطلاع‌رسانی مستقیماً فعالیت کنند.

● استانها فعالیت‌های فرهنگی را - گاه براساس قوانین منطقه‌ای - هماهنگ می‌کنند.

● شهرداریها مسئول اداره موسسات فرهنگی حوزه خود و تضمین حمایت از میراث فرهنگی محلی هستند، آنها همچنین در فعالیتهای ترویج فرهنگ (جشنواره‌ها، نمایشگاهها و...) مشارکت دارند.

آنچه از الگوی فوق استنباط می‌شود نوعی چندگانگی میان حکومت مرکزی و تشکل‌های سطوح پایین‌تر است: حکومت مرکزی، خطوط کلی را طراحی می‌کند و

در عین حال بیشترین سهم را در سرمایه‌گذاری برعهده دارد. تشکلهای پایین‌تر که انتظار می‌رود برای رسیدن به اهداف تعیین شده فعالیت‌های خاصی را انجام دهند، سعی می‌کنند این وظایف را به صورت مستقل انجام دهند. روند فعلی که از یکپارچگی زیرساخت‌های تکنولوژیک و علمی، ارتباطات فرهنگی و امکانات مربوط به فعالیت‌های جهانی کارآمد، در چارچوب تمامیت فرهنگ ملی حمایت می‌کند، آشکارا با دیدگاه افراطی مبنی بر تجزیه و تفکیک فضای فرهنگی تضاد دارد.

مداخلات چندین شکل هماهنگ‌کننده، در سطح ملی، در پی این هدف است که تأثیرات منفی تجزیه اداری و اجرایی را خنثی نماید؛ اما امکان ابراز علایق محلی وجود داشته باشد. علاوه بر مجموعه‌های موجود که در جهت اهداف کلی هستند مانند اتحاد ایالات ایتالیا و *Associazione Nazionale Comuni Italiani* که به صورت جزئی در زمینه‌های فرهنگی دخالت می‌کنند، یک شکل جداگانه وجود دارد که کاملاً به هماهنگ‌سازی فرهنگی اختصاص دارد؛ به نام کمیته هماهنگی فرهنگی بین منطقه‌ای (*The Inter - regional co - ordinating committee for culture*) که در سال ۱۹۷۱ تأسیس شده است.

به منظور تجهیز نمودن واحدهای مختلف منطقه‌ای، در مناطق مختلف کشور، مدل‌های مختلف سازمانی و قانونگذاری به کار گرفته شده است که منجر به کثرت و تعدد قوانین خاص منطقه‌ای، کمیته‌ها، شوراها و مؤسساتی شده است که هدفشان برطرف کردن نیازهای مناطق خاص است. در واقع این مناطق مایلند که از طریق تصویب قوانین جدید، که بر محور مسائل اساسی، چون همکاری میان بخش خصوصی و دولتی و یا تعریف سیستم‌های فرهنگی خاص مناطق دور می‌زند، اقتدار خود را اعمال نمایند.

۲-۲. امکانات و مؤسسات

الگوی سازمانی و مؤسسات و ابتکار عملهای دیگری نیز در مورد مسائل فرهنگی وجود دارد، مانند دانشگاههای سنتی که به آکادمی‌ها معروف شده‌اند، دانشگاههای خصوصی، مراکز تحقیقاتی و هماهنگ‌کننده، به عنوان مثال، CIDIM (مرکز ابتکار موسیقی ایتالیا)، بنیاد CINI که مختص سازمان‌دهی نمایشگاهها، کنگره‌ها و آموزشهای پیشرفته و غیره است. از مؤسسات فوق، تعدادی در اختیار بخش خصوصی هستند.

پیچیدگیهای توسعه فرهنگی در ایتالیا منجر به ایجاد پدیده‌ای خاص به نام «رصدخانه‌های فرهنگی» شده است. این مؤسسات به عنوان رابط بین تشکلهای مختلف دولتی و دیگر گروههایی که با برنامه‌ریزیهای فرهنگی سروکار دارند و نیز عامه مردم، عمل می‌کنند و معمولاً نقش دوگانه‌ای دارند:

- ۱- خدمات مشاوره‌ای برای مجموعه‌های دولتی با توجه به سهم سرمایه‌گذارهای دولتی که با هدف منطقی‌سازی سیاستهای فرهنگی صورت می‌پذیرد.
- ۲- تحقیق / مطالعه و مراکز اسناد.

علاوه بر A Gemelli Institute در میلان، بیشتر این مطالعات به صورت محلی صورت می‌گیرند و توسط مناطق استانها و شهرداریها حمایت می‌شوند. هزینه بالایی که این مطالعات دربردارند، موجب متوقف ماندن بسیاری از آنها، در هنگام قرار گرفتن مقامات محلی در تنگنای مالی، می‌گردد. موثرترین و فعالترین این مراکز، مرکزی است به نام: *Osservatorio Culturale e Sviluppo progetti della Regione Lombardia*.

مسئولیت رصدخانه‌های فرهنگی در جمع‌آوری و تفسیر اطلاعات را می‌توان اینگونه بیان کرد:

- دسته‌بندی و تعقیب سرمایه‌گذارهای بخش عمومی و فراهم کردن ملزومات تحلیل آنها (که شامل تعریف مجموعه معتبری از شاخصها می‌گردد)؛

- تعقیب و تجزیه و تحلیل کارآیی تصمیمات اجرایی در سطوح مختلف؛
- تولید و انتشار گزارش‌های ترکیبی و ارزیابی‌های انتقادی از تأثیرات سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در حوزه‌های مربوط؛
- تعیین تمایلات فعلی و تحول آنها در زمینه عرضه و تقاضای فرهنگی؛
- تأسیس بانک‌های اطلاعاتی در مورد توسعه فرهنگی و ترکیب اطلاعات جمع‌آوری شده بر پایه‌های علمی، فراهم کردن خدمات اطلاعاتی هم برای قانونگذاران و هم برای عامه مردم؛
- سازماندهی برنامه‌های آموزشی برای کارکنان در زمینه‌های فرهنگی.

۳. ابزارهای سیاست فرهنگی

۳-۱. تأمین بودجه فعالیت‌های فرهنگی

- فرآیند بازسازی توزیع بودجه فرهنگ در دو جهت عمده زیر صورت می‌گیرد:
- بازسازی و بازنگری در بودجه، به این معنی که کوششی قابل ملاحظه در جهت متعادل نمودن توسعه همه بخشها و کاهش برتری فعالیت‌های مربوط به میراث [فرهنگی] در حال انجام است.
 - توسعه امکانات برای سرمایه‌گذاری مختلط و مشارکت منابع غیردولتی در نوآوری‌های فرهنگی، عمدتاً، از طریق تشویق حمایت مالی آنها و برقراری ارتباط مستقیم بین سرمایه‌گذاران مستقل بخش خصوصی و تولیدات فرهنگی.
- در ایتالیا در نتیجه ساختار چندوجهی بخش فرهنگ، هرگونه ارزیابی آماری از وضعیت بودجه فرهنگی امری بسیار دشوار است.
- انتظار می‌رود که سازمان اجرایی منطقه‌ای ویژه در ایتالیا، تنوعی را در گرایش‌های مربوط به سیاست‌گذاری ملی فرهنگی فراهم آورد. با اینحال در سطح عملی توزیع

سرمایه‌ها، متوجه می‌شویم که این سیستم آشکارا، از گرایشهای متمایل به مرکز برخوردار است، زیرا بین ۵۰ تا ۶۰ درصد هزینه عمومی را، که در ده سال اخیر به فرهنگ اختصاص یافته، حکومت مرکزی تأمین کرده است. پس از آن به ترتیب شهرداریها ۳۰ تا ۳۵ درصد و مقامات منطقه‌ای در حدود ۱۲ درصد بودجه را تأمین کرده‌اند. در حالیکه سهم مراجع استانی در بودجه فرهنگی ناچیز و در حدود ۲/۵ درصد است.

تحقیقات اخیر در مورد توزیع هزینه‌های عمومی در بخش فرهنگ، در بین سطوح اجرایی، نشان می‌دهد که سهم دولت اندکی کاهش و سهم مشارکت محلی اندکی افزایش یافته است. اما برای تمرکززدایی واقعی در ساختار پرداختها در سطوح اجرایی، بازبینی ریشه‌ای در نظام مالیاتی ضروری است. بجای روش فعلی مالیات مرکزی (ملی) باید به مقامات محلی امکان داده شود درآمد خود را از طریق وضع و جمع‌آوری مالیات به منظور کسب سرمایه مورد نیاز بخش عمومی، مطابق با نیازهای ویژه سطح محلی خود کنترل نمایند.

باید به خاطر داشت که «هزینه عمومی فرهنگ» تنها یک دهم از هزینه بخش فرهنگ در ایتالیا است، در حالیکه بیشترین سرمایه‌ای که در برنامه‌های فرهنگی صرف می‌شود از منابع خصوصی تأمین می‌شود (مصرف فرهنگی، مشاوره، تکفل). بنابراین اگرچه ممکن است مراجع دولت مرکزی بخواهند بر سهم بودجه‌ای خود نظارت داشته باشند، اما مقادیر مهم و عمده‌ای از درآمد ناشی از بازار وارد بخش فرهنگ در سطوح منطقه‌ای و به همین میزان وارد سطوح شهرداریها می‌شود.

با آغاز سال ۱۹۸۸، در ایتالیا نیز همچون سایر کشورهای توسعه‌یافته، نتیجه سیاست‌گذاری فرهنگی، کاهش یارانه‌های دولتی بوده است. تلاشهای مکرر برای خنثی کردن نقش عوامل بحران‌زا، از طریق سازماندهی مجدد و منطقی‌سازی بدنه

اجرایی و فعالیتهای آن، صورت گرفته است. در حالیکه اجرای قوانین خاص و جدید مربوط به حفظ میراث فرهنگی، تقویت سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ را، در دوره قبل، موجب شده است، اما چون بودجه مربوط به این قوانین بعدها تأمین نشد، سرمایه‌گذاری مربوط، پس از سال ۱۹۸۸ کاهش یافت. کاهش در سرمایه‌گذاری بر اجرای امور هنری، همچون دیگر بخشها، تأثیر گذاشت و این امر بازتاب سیاستهای کاهش هزینه‌ها بود که به دنبال بحران بودجه در سال ۱۹۸۹ به مرحله اجرا درآمد. کاهش هزینه عمومی در بخش فرهنگ در سال ۱۹۸۸ در حدود ۲۷ درصد، در سال بعد از آن ۲۴ درصد و در دهه نود به ۹ درصد سقوط کرد.

کاهش سرمایه‌گذاری عمومی در بخش فرهنگ، که هم در سطح دولتی و هم در سطح محلی، بر سیستم تأثیر می‌گذارد، نشان می‌دهد که به دلایل صرفاً اقتصادی بخش قابل ملاحظه‌ای از تولید فرهنگی به ناچار به سوی بازار متوجه شده است. همچنین سعی شده است که سفارشهای این بخش مطابق با میل مخاطبان بیشتری باشد و یا کم‌کم سرمایه‌ها را از منابع دیگر به این بخش جذب کنند؛ از طریق حمایت مالی مستقیم یا حتی سرمایه‌گذاری توسط شرکتهای خصوصی.

از این نظر، ایتالیا تبدیل به الگویی در اروپا شده است که مقادیر قابل ملاحظه‌ای پول را از سرمایه‌گذاران خصوصی به سوی طرحهای فرهنگی سرازیر کرده است. در شرایط فقدان آمارهای مربوط، قضاوت ما تنها متکی بر ارقام تخمینی خواهد بود، که مطابق آن هر ساله بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار امریکا، بوسیله شرکتهای ایتالیایی پرداخت می‌شود. بیشترین مقدار تخفیف مالیاتی برای کمک از سوی این بخش ۱۲ بیلیون دلار (۱/۳ میلیون Ecus) بوده است.

مشخصه این بخش در ایتالیا، علاوه بر حجم قابل ملاحظه حمایت شرکتهای خودجوش بودن آن است. حمایت مالی و دیگر اشکال حمایت، در سایه رونق

اقتصادی در دهه هشتاد، به شدت افزایش یافت و این زمانی بود که تشکلهای مالی و تجاری، از نیروی بالقوه اقتصادی و سودآوری ناشی از اشتغال نیروی کار در حفظ و توسعه اشکال مختلف فرهنگ آگاه شدند. دو وسیله قانونی که برای به گردش درآوردن ابتکار عمل بخش خصوصی طراحی شد عبارتند از:

● قانون سال ۱۹۸۲ که مقادیر صرف‌شده در راه حفظ ابنیه تاریخی و آثار هنری و برگزاری نمایشگاهها را از مالیات معاف می‌کرد.

● قانون سال ۱۹۸۵ که مبالغ اهدایی به تئاتر، موسیقی، تولیدات فیلم و... را مشمول تخفیف مالیاتی قرار داده و اساساً آن را به دو درصد محدود کرد که بعدها تا ۲۰ درصد را هم شامل شد.

ابهام در مقررات یادشده و ناکارآمدی نظام اداری موجب شده است که شرکتهایی که مایلند حتی الامکان تأثیر و نقش بیشتری را، در قبال مشارکت خود (که عمدتاً به واسطه بازار و پیشرفتهای تصویری اندازه‌گیری می‌شود) به دست آورند، تصمیم بگیرند که پرداختهای حمایتی خود را برای تبلیغات و آگهی‌های تبلیغاتی عرضه کنند که کاملاً از مالیات معاف هستند. ابهام در نظام عمومی در عرصه حمایتهای مالی فرهنگی، محدودیتهای بیشتری را برای مشارکتهای فردی ایجاد می‌کند و لذا مقادیر اهدایی آنها همچنان نسبتاً ناچیز است.

موضوعی که نیاز به توضیح دقیق‌تر دارد، هماهنگی کلی در تعامل بین دو بخش عمومی و خصوصی است. واضح است که سیاست‌گذاری‌ای که در ارتباط با حمایت مالی دقیق‌تر و شفاف‌تر باشد به جلوگیری از ناهماهنگی در سرمایه‌گذاری منجر خواهد شد. این سرمایه‌گذاری اکنون در بیشتر حوزه‌های معتبر (که با مراکز شرکتهای بزرگ منطبق است) به سوی حمایت مالی در سطح محلی یا به سوی دسته‌بندی ابتکار عملها در دسته‌های مهم‌تر و «قابل رؤیت‌تر» میل دارد.

۲-۳. قانونگذاری

شاید ایتالیا مهم‌ترین کشور اروپایی باشد که بیشترین قوانین را حوزه فرهنگ دارد. الگوی غیرمتمرکز نظام دولتی ایتالیا، در قانونگذاری فرهنگی و وجود مقررات ملی و منطقه‌ای موازی منعکس است. هم‌زیستی قدرتهای قانونی محلی و دولتی جوهر و بنیان مدیریت غیرمتمرکز است. گرچه، گاهی مواقع، این امر کاملاً مسئولیتها را در بخش فرهنگ روشن و مشخص نمی‌کند.

مواد قانونی بسیاری در زمینه فعالیتهای مربوط به میراث فرهنگی، در هر دو عرصه [آثار] تاریخی و تولیدات معاصر وجود دارد. نیز قوانین منطقه‌ای زیادی درباره موزه‌ها و کتابخانه‌ها موجود است. این واقعیت که عرصه حفظ ابنیه تاریخی هنوز به واسطه قوانین کهنه پیش از جنگ اداره می‌شود، مانعی اساسی به‌شمار می‌رود. این قوانین که تنها بر تعمیر و حفظ ابنیه تاریخی تأکید دارد، در شرایط حاضر که هم دولت و هم عامه مردم به دنبال تبیین خلاقیت‌های فرهنگی و تبلیغات در زمینه حفظ میراث فرهنگی هستند، کاملاً نامناسب است.

موضوع حق چاپ برای هنرهای زیبا، آثار ادبی و اطلاعات فرهنگی، در کل، تحت پوشش قانونی هستند که در سال ۱۹۴۳ به تصویب رسید.

قوانین حاکم بر هنرهای نمایشی شامل دو قانون ملی است که در دهه ۶۰ در زمینه موسیقی و سینما به تصویب رسید. قانون مصوب سال ۱۹۸۵ درباره برآورد آمدن صندوق مشترک برای هنرهای نمایشی است.

قانون جدید موزه‌ها، که موزه‌ها و سایر مؤسسات فرهنگی را از استقلال نسبی قانونی برخوردار می‌سازد، از سال ۱۹۹۴ اعمال می‌شود. بر طبق این قانون، مجموعه‌های دولتی موظف شده‌اند قسمتی از درآمدهای خود را از محل انتشارات و اجاره‌بها تأمین نمایند.

۴. سیاست‌های بخشی

۴-۱. میراث فرهنگی

میراث فرهنگی یا (Beni Culturali) از دیدگاه نظام اداری ایتالیا عبارتست از آثار و بناهای تاریخی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و آرشیوها (وزارت میراث فرهنگی از ادغام اداره کل پیشینه‌ها و آثار تاریخی و هنرهای زیبا با [اداره] آرشیوهای دولتی بوجود آمده است). بودجه این بخش هنوز تنها رقم مهم در میان وجوه تخصیص یافته به ابتکارات و آثار فرهنگی است. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۲، ۶۰/۷ درصد از پرداختهای دولتی در بخش فرهنگ، به فعالیتهای مربوط به میراث فرهنگی اختصاص یافت؛ در مقایسه ۱۹/۱ درصد به موسیقی، ۴/۴ درصد به تئاتر و فقط ۲/۱ درصد به کتابخانه‌ها اعطا شد.

وزارت میراث فرهنگی فعالیتهای خود را از طریق دفتر مرکزی - اداره مرکزی داراییهای معماری - محیطی، باستان‌شناختی، هنری و تاریخی - مدیریت می‌کند، این اداره مسئولیتهای زیر را برعهده دارد:

● حفظ میراث فرهنگی،

● مدیریت موزه‌ها و ابنیه ملی و نظارت بر موزه‌های محلی و خصوصی.

اداره در انجام این امور به مجموعه‌ها و تشکلهای زیر - که وابسته به آن هستند - متکی است:

● موسسه مرکزی احیا و مرمت،

● موسسه مرکزی فهرست‌بندی و ارائه مدارک و اسناد (مستندسازی)،

● موسسه ملی گرافیک.

دفتر مرکزی آرشیو، مسئولیت اداره آرشیوهای دولتی و نظارت بر آرشیوهای خصوصی را با همکاری مرکز بازتولید و ترمیم عکس - که وابسته به آن است - به‌عهده دارد.

- دفتر مرکزی کتابخانه‌ها و موسسات فرهنگی مسئولیت‌های زیر را برعهده دارد:
- هشت کتابخانه ملی شامل دو کتابخانه (کتابخانه مرکزی رم و کتابخانه مرکزی فلورانس) که به عنوان مخزن امانات ایفای نقش می‌کنند،
 - چند کتابخانه تخصصی،
 - نظارت بر آکادمیها و نهادهای فرهنگی.
- دیگر تشکلهای وابسته به این دفتر عبارتند از:
- موسسه مرکزی برای فهرست‌بندی یکسان،
 - موسسه مرکزی برای آسیب‌شناسی کتاب،
 - آرشیوهای صوتی دولتی.
- علاوه بر این تشکلهای خاص، این وزارتخانه همچنین بر خدمات بخش مشاوره خود یعنی، شورای ملی داراییهای محیطی و فرهنگی مرکب از اعضای منصوب - شامل نمایندگان مناطق و متخصصان منفرد که در برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی مشارکت می‌کنند - متکی است.
- مدیریت کتابخانه‌های ملی نیز برعهده این وزارتخانه است، در حالیکه کتابخانه‌های محلی و خصوصی وابسته به ادارات منطقه‌ای در امور فرهنگی هستند.
- همچنین، در این زمینه، سازمانهای حرفه‌ای فعال نیز وجود دارند، مانند اتحادیه ملی نویسندگان، اتحادیه ناشران کتاب، اتحادیه فروشندگان کتاب و اتحادیه کتابخانه‌ها. تشویق هنرهای معاصر و فروش آثار هنری هنرمندان در قید حیات، در چارچوب اختیارات وزارت میراث فرهنگی و از طریق گالری ملی هنرهای معاصر و مدرن (National Gallery of Modern and Contemporary Art) صورت می‌گیرد. مشاغل حرفه‌ای براساس سازمانهایی، مانند اتحادیه هنرمندان بصری و اتحادیه فروشندگان هنر مدرن طبقه‌بندی می‌شوند.

۲-۴. هنرهای نمایشی

فعالیت‌های فرهنگی Direzione Generale per lo Spettacolo تشویق تئاتر، موسیقی و سینما را شامل می‌شود. Direzione برای برنامه‌ها و طرح‌های فرهنگی سوبسید می‌پردازد، اما مستقیماً هیچ نهاد خاصی را اداره نمی‌کند. حدود ۲۵۰ موسسه و گروه نمایشی را نظارت و حمایت مالی می‌کند، که عبارتند از: تالارهای مهم اپرا و ارکستر سمفونیک‌ها، چندین تالار مهم ارکستر، تئاترهای عمومی ثابت، و نیز تئاترهای غیرانتفاعی، شرکت‌های تورگردانی، تئاترهای تجاری، ارکسترهای کوچک، شرکت‌های رقص و غیره.

وزارت سابق توریسم و هنرهای نمایشی به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر در این حوزه، پیش‌نویس قانون عمومی جدیدی را در مورد هنرهای نمایشی تهیه کرد که در سال ۱۹۸۵ تصویب شد. این قانون تئاتر، سینما و موسیقی و رقص را به عنوان یک کلیت مستقل در نظر می‌گیرد و چهار قانون بخشی که به دنبال آن آمده است آشکارا این دیدگاه را منعکس می‌کند. در نتیجه این قانون، صندوق مشترکی برای هنرهای نمایشی، به منظور پاسخگویی به نیازهای روزافزون این بخش، بوجود آمده است. این صندوق، برخلاف [صندوق مربوط به] میراث فرهنگی، هر روز بیشتر، به بودجه عمومی وابسته می‌شود.

بعضی از آژانس‌های عمومی و فستیوال‌هایی که در امر هنرهای نمایشی دخیل هستند نیز به این وزارتخانه وابسته‌اند:

- Ente Teatrale Italiano، اداره ملی ترویج نمایش، مسئول ۱۲۴ تئاتر در سطح ملی؛
- موسسه نمایشنامه‌های ایتالیایی، موسسه ملی نمایشنامه‌های قدیمی، تشویق و توسعه مجموعه نمایشنامه‌های ایتالیایی و نمایشنامه‌های کلاسیک قدیمی؛
- جشنواره Due Mondi (Spoleto).

۳-۴. هنرهای زیبا و بصری

به پاراگراف ۱-۴ در بالا مراجعه کنید.

۴-۴. ادبیات و تولیدات ادبی

به پاراگراف ۱-۴ بالا مراجعه کنید.

۵-۴. موسیقی

زیربنای زندگی موسیقایی در ایتالیا - اپرا، رقص و کنسرت - سیزده شکل عمومی مستقل است که توسط شهرداریها اداره می‌شوند و عبارتند از:

La Scala of Milan, Opera of Rome. Accademia di Santa Cecilia in Rome. La Fenice in Venice, Teatri Comunali in Florence, Bologna, Genoa and Trieste. San Carlo in Naples, Massimo in Palermo, Regio in Turin, Arena in Verona. Pier Luigi da Palestrina in Cagliari.

همچنین ۱۲ ارکستر سمفونیک، ۲۳ تئاتر کوچک اپرا، چندین ارکستر مجلسی و غیره وجود دارد که دولت، کمتر آنها را حمایت می‌کند.

اجرا و تأمین بودجه فعالیتهای تشویقی نیز توسط بخشهای فرهنگی محلی و منطقه‌ای صورت می‌گیرد.

مهمترین سازمانهای حرفه‌ای در این عرصه *Sindacato Nazionale Musicisti* و *Sindacato Musicisti Italiani* هستند.

مرکز تحقیقات *Centro Italiano di Iniziative Musicale*، موسسه خصوصی‌ای است که به منظور ایجاد هماهنگی در توزیع [تولیدات] موسیقایی و فعالیتهای تحقیقاتی بوجود آمده است. این مؤسسه بخش ملی *CIM (UNESCO)* را تحت پوشش دارد و

سالانه کتاب راهنمایی را با عنوان «Annuario musical Italiano» منتشر می‌کند.

۵. صنایع فرهنگی

مشارکت رسانه‌های جمعی، که تضمینی برای پوشش کافی و جامع رویدادهای فرهنگی است، در بیشتر بخشهای زندگی فرهنگی ایتالیا کاملاً بارز است. بعضی تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که گسترش گزارشهای فرهنگی مربوط به رویدادهای فرهنگی، در رادیو و تلویزیون ایتالیا و بخصوص در روزنامه‌ها، نسبت به برخی دیگر کشورهای اروپایی - از جمله کشورهای که الگوی سیاست فرهنگی آنها مشابه با الگوی سیاست فرهنگی فرانسه است - بیشتر است. روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌ها، نه تنها، رویدادهای فرهنگی را در بخشهای معمولی خویش دنبال می‌کنند بلکه آنها همچنین می‌کوشند که رویدادهای مهم ملی و بین‌المللی را سازماندهی و حمایت مالی کنند و مستقیماً در رونق و گسترش و بازاریابی این رویدادها دخالت داشته باشند.

با این وجود، همه بخشهای فرهنگی از دخالت رسانه‌ها در زمینه فرهنگی سود نمی‌برند. تأثیر روزافزون شبکه‌های تلویزیونی در ایتالیا عاملی است که احتمالاً رفتار مصرف‌کنندگان بالقوه اشکال سستی فرهنگ را تغییر می‌دهد. مثلاً سینما مطمئناً زیر بخشی از هنرهای نمایشی است که از افزایش مخاطبان تلویزیون صدمه دیده است. طی دهه هفتاد، بیش از یک چهارم سینما روندگان این عادت خود را ترک کردند. طی دهه هشتاد، این کاهش شدید تقریباً به ۶۰ درصد رسید. این پدیده به آزادسازی کانالهای خصوصی، در اواخر دهه هفتاد، مربوط می‌شود و نیز این واقعیت که در ایتالیا هیچگونه محدودیت قانونی در مورد تعداد فیلمهای نمایشی تلویزیون وجود ندارد.

۵-۱. انتشار کتاب

یک قسمت از فعالیتهای مربوط به تولیدات ادبی (انتشار کتاب در سطوح بالا، به صورتیکه در قوانین مخصوص انتشارات، تاریخ ۱۹۸۱ و ۱۹۸۷، مشخص شده است) تحت پوشش وزارت میراث فرهنگی است. مؤسسات مالی و اعتباری، ۵۰ درصد امتیاز وام خود را به ناشرانی اعطا می‌کنند که کتابهای با کیفیت بالا را چاپ می‌کنند. در نتیجه، نشریات ادواری‌ای که محتوایشان فرهنگی است، حائز شرایط دریافت یارانه و معافیت مالیاتی هستند. این وزارتخانه همچنین هزینه‌های مربوط به دستیابی به عناوین برگزیده و ترجمه آنها - توسط مؤسسات فرهنگی خارج از کشور - را تأمین می‌کند و از حضور ناشران ایتالیایی در نمایشگاههای ملی و بین‌المللی کتاب و صادرات کتاب حمایت می‌کند. از تهیه کتاب برای کتابخانه‌های ملی و کتابخانه‌های متعلق به آکادمیها و مؤسسات فرهنگی نیز حمایت می‌شود. دیگر مشوقها مانند، پاداشها و کمکهای مالی بلاعوض برای نویسندگان، ناشران، کتابخانه‌ها و انجمن‌ها بوسیله اداره کل اطلاع‌رسانی نشر و ادبیات و بخش [مالکیت] علمی و هنری دفتر نخست‌وزیر فراهم می‌شود.

۵-۲. مطبوعات

مسئولیت اصلی با دفتر نخست‌وزیر - اداره کل اطلاع‌رسانی، نشر و ادبیات و مالکیت علمی - است. این دفتر انتشار روزنامه‌ها و مجلاتی را که با شرایط ویژه ضدانحصاری (قانون ۴۱۶ سال ۱۹۸۱ مربوط به انتشارات) سازگاری دارند مدیریت و حمایت مالی می‌کند.

در حالیکه کتاب و روزنامه‌ها در آغاز از مالیات بر ارزش افزوده (VAT) معاف بودند، کاهش نرخ چهار درصدی در سال ۱۹۹۰ موجب تضعیف قویترین محرک عمومی

رسانه‌های مکتوب، از بیم حضور قوی شبکه‌های تلویزیونی، به اشکال مختلف از طرف دولت حمایت می‌شوند. دولت براساس محتویات روزنامه‌ها و مجلات، در هزینه چاپ آنها مشارکت می‌کند. بنابراین چند صد روزنامه و نشریات دوره‌ای از این حمایتها برخوردار می‌شوند. این حمایتها همچنین برای نشر روزنامه‌ها و مجلات ادواری در خارج از کشور، نمایندگیهای مطبوعاتی، مدرن‌سازی و بازسازی شرکتها، شرکتهای پخش، مطبوعات و خدمات اطلاع‌رسانی و تولید اسناد و مدارک برای مخاطبان در خارج از کشور نیز در نظر گرفته شده است.

رسانه‌های مکتوب، همچنین از تخفیف در هزینه‌های پستی نیز برخوردارند. بخش تجارت عمومی ملزم است حداقل ۵۰ درصد از هزینه تبلیغات خود را به تبلیغات مطبوعاتی اختصاص دهد.

سازمانهای حرفه‌ای در این بخش عبارتند از: *Federazione* ، *Ordine dei Giornalisti* ، *Federazione Italiana Editori Giornali (FIEG)* و *Nazionale della Stampa (FNSI)* که موسسه‌ای مربوط به ناشران روزنامه است و مجله‌ای به نام *L'editare* منتشر می‌کند.

۳-۵. صنایع پخش و ضبط صوتی

تلویزیون RAI سه شبکه ملی پخش و تلویزیونی را در اختیار دارد و از طریق آگهی‌ها و نیز صدور مجوز تأمین مالی می‌شود.

در سال ۱۹۷۶ براساس تصمیم دادگاه قانون اساسی، به انحصار رادیو و تلویزیون دولتی در ایتالیا پایان داده شد و از آن زمان تعدد ایستگاههای خصوصی محلی (در حدود ۵۰۰ ایستگاه) به چشم می‌خورد. این تعدد شبکه‌ها، سرانجام به بوجود آمدن شبکه‌های تلویزیون ملی منجر شد: کانال ۵، ایتالیا ۱ و *Rete Quattro* که در اختیار *FININVEST* است. دوگانگی مربوط به *RAI* و *FININVEST* که خاص ایتالیاست، به‌ویژه، به واسطه ماده ۲۲۳ مصوب ۱۹۹۰ در مورد خدمات تلویزیون خصوصی و

دولتی، به صورت قانونی اعلام شده است. RAI همچنین به عنوان حافظ همکاری‌های عمومی در آینده عمل می‌کند: ERI, SACIS, SIPRA و FONIT-CETRA. ضبط عنوان‌های دارای کیفیت موسیقی کلاسیک و مجموعه‌های ارزشمند بوسیله FONIT-CENTRA، که شرکتی وابسته به شبکه پخش ملی است، حمایت می‌شود. در حوزه پخش، VAT تا ۵۰٪ کاهش یافته است.

۴-۵. صنعت سینما و فیلم

بخشی از هزینه‌های بهره‌برداری، به تولیدات ملی فیلم (تمام عناوینی که با مجموعه‌ای از هنجارها مطابقت داشته و نمایش آنها جزء برنامه است) مسترد می‌گردد. در حدود ۱۵۰ فیلم از انواع فیلمهای ماندگار به دریافت جایزه‌های مختلف ملی نایل می‌شوند. چندین روش امتیازدهی «رایج» و «استثنایی» برای فیلمها در نظر گرفته می‌شود (روش دوم برای فیلمهای دارای ارزش هنری و فرهنگی به کار گرفته می‌شود). همچنین بخشودگی از پرداخت بهره وام (در مورد فیلمها) اعمال می‌شود. صندوق ویژه‌ای برای توسعه و گسترش تولیدات فیلم وجود دارد. همچنین یارانه‌هایی برای بازسازی اقتصادی، تبلیغات فیلم و تولید فیلمهای مستند برای مخاطبان خارجی در نظر گرفته شده است.

۵۰٪ تخفیف VAT به بلیط‌های سینما اختصاص یافته است. در حالیکه کاهش‌های مختلف مالیاتی، برای فیلمهای کودکان و فیلمهای دارای کیفیت نیز وجود دارد.

۶. توسعه فرهنگی

۱-۶. مشارکت در زندگی فرهنگی

شاخصه‌های حضور در تئاتر، اپرا و اجراهای موسیقی کلاسیک، در بین سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵، نشانگر بهبود اندک ناشی از تأثیرات سیاستهای توسعه در مشارکت

مخاطبان - به دنبال تاسیس صندوق مشترک هنرهای نمایشی - است. این صندوق یارانه‌های دولتی را دو برابر کرد، و باعث شد که کمک دولت نرخ بلیط راکاهش دهد و مخاطبان سینما را حفظ کند. از طرف دیگر قیمت بلیط برای موسیقی پاپ افزایش یافت و بنابراین این بخش دچار بحران شد. به‌طور کلی، شمار مخاطبان در اواخر دهه هشتاد، قابل مقایسه با میزان مخاطبان در دهه ۷۰ نیست. وقتی افزایش مداوم یارانه‌ها، با تمایل به دموکراتیک کردن ترکیب می‌شود، علاقه بی‌نظیری در مردم ایجاد می‌شود. وجود صندوق مشترک هنرهای نمایشی عملاً به افزایش اعتبارات تولیدات جدید منجر می‌شود تا افزایش دریافت‌های دولتی.

موفقیت ابتکارات مربوط به همگانی کردن زندگی فرهنگی، که مشخصه اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد است، ناشی از رویدادهای فرهنگی با مقیاس وسیع است که اغلب در تابستان ترتیب داده می‌شوند و شامل اجرای توامان اشکال مختلف هنری‌اند. این دوره، دوره موفقیت فستیوال‌های بزرگ فرهنگی بود که هفته‌ها به طول انجامید و برنامه‌های برگزیده را - در سطح ملی و بین‌المللی - عرضه نمود. این رویدادها با دامنه گسترده، برای ارضای سلیق مختلف، برنامه‌ریزی شده بود تا بتواند مخاطبان زیادی را جذب کند. با استقبال مردم، این برنامه‌ها به وظیفه مردمی‌سازی خود عمل کردند. در آن زمان آنها با جذب تعداد زیادی تماشاگر، از نواحی مختلف به سوی شهرهای تاریخی، با مفهوم «دموکراتیزه کردن» مواجه شده بودند. علاوه بر همه وقایعی که شرح داده شد، باید افزود که جامعه ایتالیا، در عین اینکه موقعیت تشکلهای محلی مربوط به فرهنگ را تقویت می‌کند، اما ضمناً بار دیگر اهمیت قانون مرکزی را مورد تأیید قرار می‌دهد. موضوع نخست با نوآوری‌های قانونی مهم مطابقت دارد (قانون منطقه‌ای در حمایت از جوامع محلی، که به پیشبرد اهداف دراز مدت سیاست‌گذاری ملی فرهنگی، کمک می‌کند). در

حالی‌که موضوع دوم در تلاش‌های مستمر برای تقویت ارزش‌های ملی به چشم می‌خورد (میراث، مرکز رویدادهای [فرهنگی] ایتالیا و غیره).

۷. مشارکت فرهنگی بین‌المللی

مهمترین بخش دولتی که در امور فرهنگی، در سطح بین‌المللی، دخالت دارد اداره کل روابط فرهنگی^{۱۱} وابسته به وزارت امور خارجه است. این بخش مسئول هماهنگی فعالیتهای فرهنگی ایتالیا در خارج از کشور بوده و با سازمانهای بین‌المللی در ارتباط است. وزارت امور خارجه همچنین از شبکه جهانی مؤسسات فرهنگی ایتالیا حمایت می‌کند، اهداف این شبکه عبارتند از:

● ترویج فرهنگ و علم در ایتالیا، در جنبه‌های مختلف آن، از طریق حمایت از کتابخانه‌ها، سازمان دادن نمایشگاهها، تئاتر، کنسرت، ترویج تولیدات سینمایی و سخنرانیها.

● مشارکت در زندگی فرهنگی در کشورهای خارج، از طریق حمایت‌های مالی مشترک از رویدادهای فرهنگی بین‌المللی.

این وزارتخانه ۸۵ موسسه فرهنگی کاملاً سازمان‌یافته را در خارج از کشور مدیریت می‌کند، که علاوه بر فراهم کردن دوره‌های آموزش زبان، به عنوان مرکز اصلی گسترش فرهنگ ایتالیا، عمل می‌کنند. در سال ۱۹۹۰ برای نخستین بار مفهوم واحدی برای ارتباطات فرهنگی با کشورهای دیگر، از طریق کمیسیون جدید ترویج فرهنگ ایتالیایی در خارج از کشور، بوجود آمد.

ایتالیا با ۵۳ کشور اروپایی و غیراروپایی توافقیهای دوجانبه‌ای را - شامل جنبه‌های مختلف، مانند رویدادهای فرهنگی، تأسیس مراکز فرهنگی، مشارکت بین مؤسسات فرهنگی و دانشگاهها، مبادله متخصصان، گسترش زبانهای طرفین، اعطای بورس،

مبادله نشریات و همکاری در تحقیقات باستان‌شناسی - به امضاء رسانده است. همچنین، در ایتالیا موسسات وابسته به جامعه اروپا، که به همکاریهای فرهنگی اختصاص دارند، وجود دارد، مانند موسسه دانشگاههای اروپا در فلورانس و مرکز مطالعات پیشرفته اروپایی در اورینو.

دولت حداقل یا حداکثر در زمینه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی؟ تصدی‌گری یا نظارت؟ خلاقیت از رأس هرم قدرت (دولتمردان) یا پایه آن (شهروندان)؟ چگونگی حمایت از آثار هنری و خالقان آنها؟ مجموعه سیاستگذاری فرهنگی کشورهای جهان که چهارمین شماره آن به کشور ایتالیا اختصاص یافته است بر آن است تا با ارائه چشم‌اندازی همه‌جانبه، ساختاری و عینی پاسخ‌گواص صاحب‌روش و تجربه در زمینه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی را به پرسش‌های از گونه فوق، روشن نماید.

مقایسه تجربیات دیگر کشورها با نگاهی نقادانه و نیز آشنایی با مدل‌های کارآمد، بی‌گمان، مدیران و سیاستگذاران فرهنگی کشورمان را در طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های جامع‌تر و خردگراتر یاری خواهد نمود.

گروه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی

